تلنگر

وقتی لایه‌های زمین چالوس زیر فشار می‌لغزند

رانش زمین پدیده‌ای طبیعی است و در نقاط مختلف زمین مشاهده می‌شود اما افزایش تعداد وقوع این پدیده طی سال‌های اخیر روندی جدیدی از فعالیت‌های فرسایشی غیرانسانی را آشکار می‌کند. معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست ضمن اشاره به علل وقوع رانش زمین، فعالیت‌های انسانی را تشدیدکننده این پدیده می‌داند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۰ زمین زیر پای انسان در چالوس سست شد و لغزید. این لغزش حامل بی‌اهمیتی به هشداریهایی است که از مدت‌ها قبل خبر از تمام شدن آستانه تحمل زمین و خاک می‌دادند. رانش زمین پدیده‌ای زمین‌شناسی اما ریشه‌های وقوع این پدیده را باید در تپه‌شناسی جست و جو کرد که به ریشه درختان و پوشش گیاهی این منطقه زده شده است.

توح فتحی با تشریح علل زمین شناختی وقوع رانش زمین خاطرنشان کرد: رانش زمین به‌طور کلی پدیده‌ای زمین شناختی است. اگر شرایط توپوگرافی مانند شیب زمین به شکلی باشد که یک لایه زمین‌شناسی دارای خاک رس در زمین وجود داشته باشد امکان وقوع رانش وجود دارد.

وی ادامه داد: در صورت بروز بارندگی یا جذب رطوبت توسط لایه‌های رسی، احتمال رخداد رانش هست چراکه این لایه رسی شرایط لغزندگی یا رانش را فراهم می‌کند. این شرایط مشابه زمانی است که روی زمین گلی لیز می‌خورید.

فتحی با اشاره به نقش عوامل انسانی در وقوع این پدیده گفت: این پدیده به‌صورت طبیعی حتی در مناطق بسیار بکر - که دست انسان به آن نرسیده است - نیز اتفاق می‌افتد اما زمانی که عاملی مانند فعالیت انسانی را مطرح می‌کنیم، شرایط متفاوت می‌شود چراکه در بسیاری از موارد عوامل انسانی در تشدید رانش زمین دخیل هستند.

وی افزود: اگر شیب زمین مناسب باشد دامنه روی رس حرکت می‌کند و رانش به سمت پایین اتفاق می‌افتد. در بسیاری از کوهستان‌ها و مناطق برشیب ممکن است شرایط برای رانش از نظر شیب دامنه، جنس خاک و وجود لایه‌های رسی فراهم باشد اما در صورت نبود رطوبت کافی این پدیده مشاهده نمی‌شود. هر زمان که بارندگی اتفاق بیفتد و آب به لایه رسی نفوذ و آن را لغزنده کند، رانش رخ می‌دهد.

معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به افزایش تعداد رانش زمین در دهه‌های گذشته اظهار کرد: با بررسی وضعیت رانش زمین در دامنه‌های شمالی کشور می‌توان فهمید که تا پیش از سه دهه گذشته و تا اواخر دهه ۵۰ تعداد رانش‌ها در دامنه‌های شمالی استان‌های گلستان، مازندران و گیلان به مراتب کمتر از تعداد رانش‌هایی بوده که طی سه دهه اخیر رخ داده است. وی اضافه کرد: قطع درختان جنگلی، جنگل‌زدایی و از بین بردن پوشش گیاهی و مراتع به همراه بارش و رطوبت احتمالی، در دامنه‌های شیب‌دار و دارای پتانسیل رانش سبب وقوع این پدیده شود. در وقوع تغییر کاربری اراضی به پدیده رانش زمین کمک کرده است. با بررسی آمار طی سه دهه اخیر در استان‌های شمالی می‌توان متوجه این نکته شد که رانش زمین به مراتب بیشتر از زمانی بوده که پوشش گیاهی مناسب وجود داشته است.

فتحی در ادامه گفت: این پدیده بیشتر در استان‌های مازندران و گلستان دیده می‌شود چرا که تغییر کاربری، جنگل‌زدایی و از بین رفتن مراتع در این دو استان بیشتر از استان گیلان بوده است. متأسفانه ما در مرحله‌ای هستیم که برای رانش زمین ابتدا به دنبال علل زمین‌شناسی نمی‌گردیم بلکه تاثیرات انسانی را بررسی می‌کنیم. اگر عوامل انسانی دخیل نباشند در مرحله بعد عوامل زمین شناسی را در اولویت قرار می‌دهیم.

وی با اشاره به رانش زمین در غرب کشور اظهار کرد: در مناطقی که میزان بارش بیش از ۳۰۰-۴۰۰ و یا ۵۰۰ میلی متر گزارش می‌شود به‌طور مکرر گزارش‌هایی مبنی بر وقوع رانش زمین گزارش می‌شود. ادارات راه و تراری استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، چهارمحال و بختیاری و بخش‌هایی از خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان در دامنه‌های پر شیب زاگرس طی اواخر فصل بارش که مشخصا ماه‌های خرداد و اردیبهشت را شامل می‌شود، به‌طور مکرر باید راهگشایی که به علت رانش از بین رفته‌اند را ترمیم کنند. در این مناطق نیز فعالیت‌های انسانی باعث تشدید رانش زمین شده است. تغییر کاربری و قطع درختان جنگلی بلوط اصلی ترین عوامل تشدیدکننده این پدیده در زاگرس هستند.

فتحی درباره آسیب‌هایی رانش زمین بر محیط زیست وارد می‌کند، گفت: آسیب به محیط زیست قبل از رانش اتفاق می‌افتد. در واقع رانش زمین پدیده‌ای جانبی ناشی از فعالیت‌های انسانی است البته خود پدیده رانش اثرات جانبی دیگری در محیط زیست ایجاد می‌کند. خاک دامنه‌ای که در جریان پدیده رانش حرکت کرده بر اساس ابعاد و اندازه‌های پهنه زیر جبهه رانش از بین می‌رود. بر اثر رانش، کاربری سابق زمین مورد نظر نیز نابود می‌شود.

وی ادامه داد: در یکی از موارد، روستایی بر اثر رانش ۱۲۰۰ متر جابجا شد به گونه‌ای که مردم روستا دیدند که باغ و زمین کشاورزی آن‌ها جابجا شده است. در این شرایط محل تردد مسدود و به‌صورت کامل دگرگون می‌شود. به جز خسارت‌های وارد شده تخریب خاک نیز مشاهده خواهد شد.

فتحی در پایان اظهار کرد: اگر پدیده رانش در محل خط لوله نفت باشد، باعث ایجاد آلودگی شدید می‌شود. در جریان این اتفاق خطوط حمل مواد نفتی خواهند شکست. این اتفاق در چهارمحال و بختیاری رخ داده و موجب آلودگی شدید آبهای زیرزمینی و رودخانه‌ها شده است. ورود مواد نفتی سبب می‌شود تا خاک و آبهای سطحی و زیرزمینی آلوده شوند. اگر زیرساخت‌های خطوط لوله در محدوده‌های رانشی باشند، احتمال بروز آلودگی شدید بسیار زیاد است.

جای خالی عدالت در پرداختی‌های شهرداری کرج

شورای ششم به وعده‌ی خود عمل کند!

خانی نژاد- «مجتبی حاجی قاسمی» در نطق روز یکشنبه ۲۳ او که بارها در خصوص عیدی و پاداش پایان سال، تبدیل وضعیت ایثارگران طبق قانون و تبدیل وضعیت پرسنل تامین نیرو از ردیف‌های عمرانی تذکر داده است، این بار از عدالت توزیع در پرداخت و حقوق و دستمزد کلایه داشت و گفت که عدالت توزیع در پرداخت حقوق و دستمزد که ارتباط مستقیمی با بهره‌وری سازمانی دارد، نباید در شهرداری فراموش شود.

حاجی قاسمی به این موضوع نیز اشاره کرد که در سال گذشته چهار نفر به صورت موردی انتخاب شدند که دارای قرارداد رسمی ثابت پیمانی کارگری دائم و تامین نیرو بودند که هر چهار نفر جایگاه کارشناسی بدون پست سازمانی سال باقیمانده نیز به سرعت خواهد گذشت.

حاجی قاسمی به این موضوع نیز اشاره کرد که در سال گذشته چهار نفر به صورت موردی انتخاب شدند که دارای قرارداد رسمی ثابت پیمانی کارگری دائم و تامین نیرو بودند که هر چهار نفر جایگاه کارشناسی بدون پست سازمانی داشتند. جمع دریافتی سالیانه آن‌ها نیز به این صورت بود: رسمی ثابت ۱۳۵ میلیون تومان، پیمانی ۱۷۸ میلیون تومان، کارگری دائم ۱۳۴ میلیون تومان و تأمین نیرو ۶۰ میلیون تومان، که در مقایسه با انتهای سال ۱۴۰۰ میانگین آن به ۱۷۲ میلیون تومان برای نیروی رسمی، ۲۲۸ میلیون تومان برای نیروی پیمانی، ۱۸۰ میلیون تومان برای نیروی کارگری دائم و فردی که با قرار داد تامین نیرو جذب شده بود ۹۷ میلیون تومان بود که بی عدالتی و تفاوت در این جمع دیده می‌شود.

عضو شورای اسلامی شهر کرج به دریافتی های مدیر کلهای رسمی و پیمانی نیز اشاره کرد و گفت که جمع دریافتی سالانه ۱۴۰۰ آن‌ها در بخش رسمی ۲۶۲ میلیون تومان و پیمانی ۲۳۵ میلیون تومان بوده است که این تفاوت با تدبیر شهرداری قابل جبران است.

حاجی قاسمی در بخشی دیگر از سخنان خود به تعدادی از خبرنگاران اشاره کرد که طبق سنت ناحسنه در بدنه شهرداری نیز مشغول به کار هستند.

او هم چنین در پایان سخنان خود انتقاد کرد که اگر این افراد در حوزه خبر فعالیت دارند و محل ارتزاق آنان حوزه خبری است چه لزومی دارد که در شهرداری مشغول به کار باشند. در حالی که بیشتر این افراد در محل وظیفه خود نیز حضور ندارند و در مقایسه با کارگر تامین نیرو بافستان و نهالستان که حتی جمعه‌ها هم با میانگین ۱۲۰ ساعت اضافه کار ماهیانه به محل کار خود می‌روند پنج تا شش روز هم تعطیل هستند!

مقاله

نسبت های البرزی هزار دستان

دکتر حسین عسکری

سریال «هزار دستان» به نویسندگی و کارگردانی شاهرخ علی حاتمی (درگذشت ۱۳۷۵)، به سفارش شبکه اول سیما بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ ساخته شد. مرحوم حاتمی دو فیلم سینمایی «کمیته مجازات» و «طهران روزگار نو» هم از آن بیرون کشید. این اثر تلویزیونی فاخر در سال ۱۳۹۷ به مناسبت «روز جهانی میراث دیداری و شنیداری»، در «هورست حافظه جهانی یا میراث مستند جهانی یونسکو» به ثبت رسیده است.

محور داستان این سریال، برداشتی آزاد از کارنامه «کمیته مجازات» و چهره‌های سیاسی و مذهبی مرتبط با آن است. این تشکّل مخفی در شهریور ۱۲۹۵ مقارن با حکومت آخرین پادشاه سلسله قاجاریه یعنی احمد شاه قدام به ترور افرادی کردند که به نظرشان ایادی بیگانه و عامل فقر و بدبختی ایران و ایرانیان بودند.

به خاطر دارم بیشتر مردم در دهه های شصت و هفتاد خورشیدی، جمعه ها غروب پای تلویزیون می نشستند تا هزاردستان را با شوق تماشا کنند. تیتراژ و موسیقی آغازین و پایانی سریال هم هنوز در گوشم طنین انداز است. چندی پیش در پیوند با «البرزپژوهی» به ذهنم خطور کرد که ربط البرزی این سریال تاریخی و به یادماندنی را شناسایی کنم:

الف) سه بازیگر این سریال، البرزی هستند: ۱. استاد عزت‌الله انتظامی (درگذشت ۱۳۹۷) در نقش «خان مظفر»، ریشه در هم لشهرا دارد. ۲. استاد جعفر والی (درگذشت ۱۳۹۵) در نقش «رئیس نظمیه»، فرزند روستای ولیان، ساوجبلاغ است. ۳. اسماعیل محرابی (متولد ۱۳۲۳) در نقش «امور سرشماری»، خانساگاهش روستای امیرنلر طالقان است.

ب) موسیقی زیبای هزاردستان، حاصل هنرنمایی ملدگار شادیان «استاد مرتضی حنانه» موسیقیدان و آهنگساز نامدار ایرانی است که در ۲۴ مهر ۱۳۶۸ بر اثر بیماری سرطان درگذشت و پیکرش در آرامستان امامزاده طاهر شهر کرج به خاک سپرده شد.

ج) استاد علی نصیریان (متولد ۱۳۱۳) نقش «ابوالفتح صحاف» را در این سریال بازی کرده که ترکیبی از شخصیت سه تن از اعضای اصلی کمیته مجازات یعنی «مرتیب اسدالله خان ابوالفتح زاده»، «میرزا ابراهیم خان منشی زاده» و «محمد نظر خان مشکات الممالک» است. ابوالفتح زاده که از مهاجران قفقازی مشروطه خواه بود پس از فتح تهران، با حکم رئیس بازپرسی خزانه داری کل ایران، مامور مالیات ساوجبلاغ و شهریار شد اما به جهت بدرفتاری با رعایا برکنار شد. برخی منابع تبلیغ و گرایش او به بهائیت را در این عزل بی‌تاثیر نمی‌دانند. پس از شناسایی کمیته مجازات، ابوالفتح زاده به همراه منشی زاده محکوم به تبعید به شهر مرزی کلات نادری در خراسان شدند اما در میانه راه در امرداد ۱۲۹۷ در ۱۲ کیلومتری سمنان هدف گلوله قرار گرفته و کشته شدند. مأموران حکومت قاجار در گزارش خود آورده اند که آن‌ها قصد فرار داشتند.

د) استاد جمشید مشایخی (درگذشت ۱۳۹۸) در سریال «هزار دستان» به خوبی از پس نقش «رضا تفنگچی / خوشنویس» برآمده است. به گفته مرحوم علی حاتمی این نقش ترکیبی از شخصیت خود کارگردان، میرزا محمدحسین سیفی قزوینی (درگذشت ۱۳۱۵) ملقب به عمادالکتاب، استاد میرزا محمدرضا کلهر کرمانشاهی (درگذشت ۱۲۷۱) و کریم دوانگر (درگذشت ۱۲۹۶) است. عمادالکتاب دایی حاج احمد صالحی (درگذشت ۱۳۸۱) بازرگان خوشنام و پرهیزگار تهران و بیوت در دهه پنجاه شمسی است که ریشه در «عکقدان علمی و فرهنگی برغلی» دارد. احداث حسینیه کربلایی‌ها در تهران، تأمین هزینه چاپ کتاب «موسوعه‌البرغلی فی فقه‌الشیعه» نوشته جدش آیت‌الله شیخ محمد صالح برغلی، کمک به بازسازی بخشی از بقعه امامزاده حسین و مسجد محمدخان یک قزوین از جمله اقدامات مرحوم حاج احمد (پدر دلشده سالگی بر اثر بیماری وبا درگذشت شیخ هادی بر او نماز گزارد و پیکرش را در آرامستان محله حسن آباد تهران به خاک سپرد.

ه) استاد علی اشرف درویشیان (متولد ۱۳۱۳) در سریال «هزار دستان» به خوبی از پس نقش «رضا تفنگچی / خوشنویس» برآمده است. به گفته مرحوم علی حاتمی این نقش ترکیبی از شخصیت خود کارگردان، میرزا محمدحسین سیفی قزوینی (درگذشت ۱۳۱۵) ملقب به عمادالکتاب، استاد میرزا محمدرضا کلهر کرمانشاهی (درگذشت ۱۲۷۱) و کریم دوانگر (درگذشت ۱۲۹۶) است. عمادالکتاب دایی حاج احمد صالحی (درگذشت ۱۳۸۱) بازرگان خوشنام و پرهیزگار تهران و بیوت در دهه پنجاه شمسی است که ریشه در «عکقدان علمی و فرهنگی برغلی» دارد. احداث حسینیه کربلایی‌ها در تهران، تأمین هزینه چاپ کتاب «موسوعه‌البرغلی فی فقه‌الشیعه» نوشته جدش آیت‌الله شیخ محمد صالح برغلی، کمک به بازسازی بخشی از بقعه امامزاده حسین و مسجد محمدخان یک قزوین از جمله اقدامات مرحوم حاج احمد (پدر دلشده سالگی بر اثر بیماری وبا درگذشت شیخ هادی بر او نماز گزارد و پیکرش را در آرامستان محله حسن آباد تهران به خاک سپرده

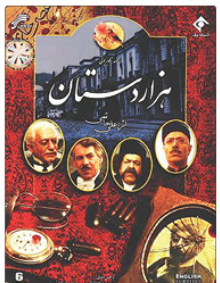

منش آزادی‌خواهانه ای داشت و از منتقدان حکومت قاجار به شمار می رفت. او از پیوان فکری آیت الله حاج شیخ هادی شیخ هادی نجم آبادی روحانی نوادیش و آزادی خواه صدر مشروطیت بود. وقتی استاد کلهر در سال ۶۵ سالگی بر اثر بیماری وبا درگذشت، شیخ هادی بر او نماز گزارد و پیکرش را در آرامستان محله حسن آباد تهران به خاک سپرد.

-منابع و پاقوشت های این مقاله در دفتر روزنامه محفوظ است.

نویسنده:البرزپژوه

دیدگاه

شهر همچون نمایشی در تئاتر است که بناها در آن نقش بازی می کنند. نباید همه بناها بازیگر نقش اصلی باشند

سرگی چوبان

مهم‌ترین چیز {در معماری من} نگرشی هوشیارانه نسبت به مادیت {یا مادریالیته} است. مادیت است که حجم بنا، برجستگی سطح، بافت، نسبت سطوح باز به بسته و غیره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ماده {یا ماتریال} مهم‌ترین مؤلفه یک بناست. دست یافتن به جذاب‌ترین فضاها همیشه ممکن نیست، چرا که معماران اغلب در سخت‌ترین چارچوب‌ها محدود می‌شوند. البته که ما باید بر آنها فائق آییم. {گالمی} پیش می‌آید که حتی ایجادیک فضای با ارتفاع دوبرابر معمول {دلیل‌هایت} غیر ممکن است. با این حال مادیت همیشه با شماست. پس نگرشی دغدغه‌مند نسبت به مادیت مهم‌ترین چیز است. و همه آنچه بالاتر ذکر شد در این کلاسیت قرار می‌گیرد، {از کلان‌ترین اجزاء} تا برسد به دستگیره در.

معماری مادی‌ترین هنرهاست و مستقیماً به ماتریال‌هایی که معمار به کار برده وابستگی دارد. نگرش هوشیارانه و آشکار نسبت به ماتریال‌ها مهم‌ترین چیز است. در همین راستا، من توجه ویژه‌ای به بناها و دیتیل‌های سه معمار دارم: اوتو واگنر، لویی کان و پل رودولف.

(در گفتوگو با **Vladimir Belogolovsky**، منتشر شده در وبسایت **archdaily**، سال ۲۰۲۱)

منبع:گفتار

سفرنامه مارکوپولو کج

کلیسای جامع زاگرب و قدیمی ترین نمونه الفبای اسلاو(بخش آخر)

مهدی عبدی- بعد از دیدن بازار میوه، با تصویری که از عکس کلیسای جامع در پشت اسکناس ۱۰۰۰ کوناپی داشت، به سمت کلیسای جامع زاگرب حرکت کردم. مناره‌های بلند این کلیسا در فهرست ۱۰ مناره بلند جهان قرار دارد و کلیسای زاگرب را با ارتفاع ۱۰۸ متر به بلندترین بنای کروآسی تبدیل کرده است. کلیسایی قرن سیزدهمی که از زمان ساخت تا به امروز شاهد کلی اتفاق ناگوار بوده و چند باری آسیب جدی دیده، ولی دوباره بازسازی شده.

هر چه به کلیسا نزدیک تر می شدم ازتفاضل بیشتر به چشم می آمد تا اینکه به ورودی کلیسا رسیدم فکر می کنم تمام کسانی که می خواهند وارد کلیسا شوند توقفی در جلوی ورودی دارند. دوربینشان را آماده می کنند و شروع به عکس گرفتن از فیگورها و طراحی فوق العاده در کلیسا می کنند. من هم بعد از گرفتن کلی عکس وارد کلیسا شدم. معماری فضای داخلی مثل خیابی از کلیساهای دیگر اروپایی بود که قلمداد بودم، ولی در اطراف راهروی وسیع داخل کلیسا که ظرفیت بیش از ۵۰۰۰ نفر را دارد دو اثر این کلیسا را خاص می کند.

اولین نمونه‌های حروف الفبای اسلاو که به قرن نُه تعلق دارد، برجسته‌ترین اثر این کلیسا است که روی یکی از دیوارهای کلیسا قرار دارد. الفبایی عجیب که طبیعتا‌ً به نوشتم آن را بخوانم و نه حسی نسبت به آن داشتم، نمی دانم وقتی یک کروات خط فارسی را می بیند همین حس را دارد یا نه. ولی می دانم اگر یک تابلوی خطاطی زیبا را ببیند با اینکه نمی توند آن را بخواند ولی غرق در هنرش خواهد شد.

در گذشته های دور که که زبان و خط کلیسا لاتین بود، مدارک ارتباط بین کشیش ها و مردم سخت می شده و برای برطرف کردن این مشکل و گسترش مسیحیت در این مناطق، الفبای جدید ساخته شده و به خاطر شباهت این الفبای ساخته شده به زبان و گویش مردم محلی، یادگیری و ارتباط با آن برای مردم راحتتر می شده.

دیدن یکی از نقاشی های آبسرشت دوبر در این کلیسا هم برایم جالب بود. نقاشی که، در نوبرنبرگ آلمان از موزه و خانه اش بازدید داشتم و حالا حدود ۷۰۰ کیلومتر دورتر از خانه این نقاشی داخل این کلیسا بود. حال اینکه چه طور این مسیر را طی کرده بود تا به اینجا برسد هم مسله‌ا داستانی دارد. شنیدنی.

از کلیسا به سمت خیابان تکالچیچه یا (نوشتن تلفظ درست با حروف الفبای فارسی مشکل است) **Tkalčiceva** حرکت کردم. مجسمه زاگرب‌ها **Marija Juric Zagorka** چهارمین مجسمه ای بود که می دیدم زاگرب کدا اولین روزنامه نگار زن و نویسنده محبوب کروآسی است.

به رسم تمام سفرها در یکی از کافه های این خیابان نشستم و قهوه سفارش دادم، قهوه های کروآسی مثل خیلی از موارد دیگر در این کشور خوش نام هستند. حدس زدم اگر تمام این کافه ها را بگردم نسخه های بیشماری از نوزده رمان زاگرب‌ها خواهم یافت. برخلاف من که نه کتابی از او خوانده بودم و نه قبل از سفر به کروآسی میشناختمش، خیلی ها که برای نوشیدن قهوه به این خیابان می آیند، او را به خوبی می شناسند. بعد از نوشیدن قهوه به سمت پله های معروف زاگرب با نام **Zagreb's Stairway to Heaven** حرکت کردم. پله هایی که با توجه به تعبیر نامشان به سمت بهشت می روند.

مرکز شهر زاگرب دو بخش دارد بالا شهر و پایین شهر البته فکر نمی کنم این القاب به خاطر اختلاف طبقاتی یا اختلاف اقتصادی باشد بلکه به معنای واقعی کلمه و نشانه اختلاف ارتفاع است. پایین شهر معماری فرمزی دارد و بالاشهر، بخش قدیمی است.

پله ها با یکی یکی بالا رفتم، تعدادش زیاد بود فکر می کنم جذابیتش بیشتر برای بازدید کننده های شهر باشد و مردمی که اینجا زندگی می کنند باید به فکر راه دیگری برای ارتباط این دو محله باشند. بالا و پایین رفتن از این پله ها برای یک بار خوب است ولی فکر نمی کنم تکرارش اصلا خوشایند باشد.

پایه منطقه ی قرون وسطایی زاگرب گذاشتم و روی سنگ فرش خیابان شروع به قدم زدن کردم تا به دروازه کلمنیتز پرتا (**The Kamenita Vrata**)، به معنای دروازه سنگی رسیدم.

تنها دروازه‌ی باقی مانده از گذشته سه دروازه‌ی دیگر به مرور زمان تخریب شده بودند. داخل دروازه زیارتگاه کوچکی با شمع های روشن بود و دقیقا دست نخورده گویی زمان کاملا در این دروازه متوقف شده بود. بعد از گذشتن از دروازه به گرز بالای آن نگاه کردم، گرزی که معروف به تله جانوگرهاست. افسانه ها می گویند شب ها وقتی جانوگری سوار جاروبش از اینجا رد می شده، به این گرز گیر می کرده و امنیت شهر حفظ می شده و چنین نکته های کوچک و افسانه ایی جذابیت این تکه از زاگرب را برایم بیشتر می کرد.

کلیسای بعدی کلیسای قرون وسطایی سنت مارک با بام رنگی معروفش بود، کلیسایی که عکس های زیادی از آن در اینترنت دیده بودم و سال ساختش به قرن ۱۳ میلادی برمی گشت.

گفته می شود رویروی کلیسا ستون شرم قرار داشته که به دستور قاضی آن زمان، مردم گناهکار برای مجازات به آن بسته می شدند و معروفترین آنها **Matija Gubec**، رهبر شورشیان دهقان بوده که وقتی داستانش را شنیدم ناخودآگاه به یاد اسپارتاکوس افتادم.

روی کاشی کاری رنگی سقف کلیسا دو نشان در داخل سپر هستند یکی نشان ملی زاگرب (قلعه سفید روی زمینه قرمز) و دیگری پادشاهی سه گانه کروآسی، اسلوونی و دالماتیا در مقابل این کلیسا هم مثل کلیسای اصلی زاگرب اولین کاری که بازدید کنندگان ناخودآگاه انجام می دهند آماده کردن دوربین و عکس گرفتن است. هر دو باری که در کروآسی بودم در کلیسا بسته بود و نتوستم داخل آن رابببینم، شاید در بار سوم سفرم به زاگرب این اتفاق بیافتد.

بازدید از زاگرب دلمت به لحظه های آخر خود می رسید. برج قرن سیزدهمی لوترشاک (**Lotrščak**) ایستگاه آخر بازدید از زاگرب بود. برجی که برای محافظت از شهر ساخته شده بود وقتی در کنارش ایستادم نمایی زیبا از شهر زاگرب داشتم.

طبق تاریخ در زمان‌های قدیم این برج ناقوسی داشته که هر شب قبل از بسته شدن دروازه به صدا در می آمده تا به کسانی که بیرون شهر بودند هشدار دهد. فکر کنم در آن لحظه در گوشم صدای این ناقوس را می شنیدم که هشدار می داد زمان زیادی در سطح شهر پیاده روی داشته‌ام و باید برگردم.

برای برگشت باید از یکی از قدیمی ترین فنیکولارهای دنیا با طول ۶۶ متر استفاده می کردم یا باز هم با پای پیاده از پله ها برمی گشتم، چون دوست داشتم زمان بیشتری از شهر آنت ببرم تا پله ها به سمت میدان یلاچیچ برگشتم و بعد به سمت ایستگاه تراموا آهن.

زمان زیادی گذشته بود و سفر کوتاهی از قرن بیستم تا قرن سیزدهم در زاگرب داشتم و مثل همیشه لذت بردم. تیک بازدید از زاگرب دوست داشتنی را هم در دفترچه سفرهایم زدم و حالا باید به شهر بعد فکر می کردم.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۳۷۹۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ جلسه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ متقاضی خانم صدیقه بهرمان فرزند محمد باقر به شماره شناسنامه ۶ و کد ملی ۴۵۹۱۸۸۹۰۱۷ درشش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۰/۴۱ مترمربع پلاک ثبتی ۳۲۵ اصلی واقع در کوهسار جزء حوزه ثبتی ساوجبلاغ از مالکیت احمد فلاح پور موضوع سند صلح قطعی شماره ۴۰۷۰۲ مورخ ۱۳۴۶/۵/۳ دفترخانه ۱۷ تهران می باشد . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی می شود و در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض در خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایید. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شدم الف : ۸۷۹

نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹
نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

ایرج نیک بین
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۶۰۳۲۱۰۵۵۰۰۳۰۰۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۸ جلسه هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم طاهره شیخی فرزند جواد به شماره شناسنامه ۵۸۹۵ صادره از تهران درشش دانگ یک باب ساختمان (دو طبقه) بصورت دوبلکس به مساحت ۱۰۰ مترمربع پلاک ۳۶ اصلی از مالکیت عبدالکریم اکبری محمود آبادی از صفحه ۲۸۳ دفتر ۱۱۷۲ واقع در صالح آباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض در خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایید. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف : ۱۲۵۷

نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹
نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

مسیب محمدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نظرآباد

قربونِ دَسِت، اون شیر آبُ ببند.